

فصلنامه تاریخ اسلام

سال هشتم، بهار ۱۳۸۶، شماره مسلسل ۲۹، ص ۶۷ - ۸۰

اقدامات عمرانی شاهان صفوی در عتبات عالیات

مریم کاظمی دلپگانی*

اماکن مقدس شیعیان در عراق عرب، همواره در طول تاریخ، مورد علاقه و توجه مسلمانان، به ویژه شیعیان بوده است؛ به این سبب، اکثر دولت مردان و سران حکومتی با توجه خاص شان به این اماکن، آبادانی و تکریم جایگاه و قبور ائمه (ع) را در برنامه سیاسی و مذهبی خویش قرار می دادند. پس از تشکیل دولت صفوی و رسمیت یافتن مذهب تشیع از سوی آنان، هم چنین به جهت اهداف مذهبی، فرهنگی و سیاسی صفویان در ایران و عراق عرب؛ عتبات عالیات رشد و توسعه چشم گیری یافت و اقدامات عمرانی در شهرهای مقدس سامراء، کاظمین، کربلا و نجف به اوج خود رسید. این مقاله، به اقدامات عمرانی و ساختن بناها از سوی دولت صفوی در عتبات می پردازد.

واژه های کلیدی: صفویه، تشیع، عثمانی، عراق، عتبات عالیات، کاظمین، نجف،

کربلا، سامراء.

عتبات در عصر نخستین شاهان صفوی

شاه اسماعیل اول، بنیان‌گذار سلسله صفوی، در سال ۹۰۷ق/۱۵۰۲م. به تأسیس سلسله‌ای موفق گردید که با گذشت هفت سال (۹۱۴ق/۱۵۰۸م) دامنه فتوح آن، به بیشتر نواحی عراق عرب گسترش یافت، و این امر، خصومت میان دو دولت صفوی و عثمانی را سرعت و شدت بخشید.

دولت صفوی از آغاز تأسیس، با رسمی نمودن تشیع در ایران، آن را پشتوانه‌ای برای حمایت از خود قرار داد و با روش‌های مختلف توسل و تمسک مذهبی کوشید خود را بیش از پیش مطرح و قلوب شیعیان را به صفویه جلب نماید. بنابراین، با مهم شمردن زیارت قبور ائمه اطهار(ع) در عراق عرب توسعه و آبادانی این اماکن مقدس شیعی، در رأس برنامه‌های مذهبی، فرهنگی و سیاسی، اجتماعی دولت صفوی قرار گرفت. در آن زمان، آتش جنگ با دولت قدرت‌مند عثمانی شعله‌ور شده بود و وجود عتبات می‌توانست کمک بزرگی برای شاهان صفوی باشد؛ «زیرا از شهرهای مقدس، امواجی به حرکت در می‌آمد که جاذبه‌های قوی داشت، امواجی که حرکت‌شان مخالف سلطان [عثمانی] و در نتیجه موافق شاه بود»^۱.

هنگامی که شاه اسماعیل اول، در سال ۹۱۴ق/۱۵۰۸م. قدم به خاک عراق نهاد، ابتدا به زیارت مرقد مطهر امام حسین(ع) و شهدای کربلا و سپس به سوی نجف رفت و علاقه و شیفتگی خود را به ائمه اطهار(ع) آشکارا ابراز نمود و از سوی دیگر، بر انتسابش به امام موسی کاظم(ع) تأکید کرد. هم‌زمان با ورود شاه اسماعیل به عراق، اقدامات عمرانی و تلاش برای بازسازی و توسعه عتبات آغاز شد. او «جهت هر یک از آن شش عتبه کعبه مرتبه نقاره و راتبه مقرر ساخت و فرمود که نجاران هنرمند و مهندسان خاتم‌بند از اطراف ممالک محروسه در بغداد جمع آمده، شش صندوق منقش به نقوش اسلامی و ختائی در غایت تکلف و زیبایی ترتیب دهند و صنایع قدیم را از آن مرقد عطریاش برداشته صندوق‌های مجدد را به جایش نهند»^۲ ساخت این صندوق‌ها که هر کدام شاهکاری هنری به شمار می‌آید تا سال ۹۳۲ق/۱۵۲۶م. به طول انجامید. ظاهراً، هر یک از آنها به

وسیله هنرمندانی جداگانه ساخته شده‌اند، زیرا صندوقی که روی آرام‌گاه امام جواد(ع)، در کاظمین، قرار دارد از نظر فن خاتم‌سازی و مثبت‌کاری، جزء زیباترین و برترین آنهاست. این صندوق که در سال ۹۲۶ق/۱۵۲۰م. ساخته شد. «به قدری ریز و پرکار است که شاه‌کار آن با چشم غیرمجهز دیده نمی‌شود...»^۳. در آستانه هر یک از ائمه(ع)، نقاره‌خانه‌هایی ساختند که در آنها هم‌چون دربار سلاطین، هر روز صبح و عصر به انجام مراسم می‌پرداختند. هم‌چنین برای آبادانی شهر نجف و حتی رساندن آب به حرم مطهر امیرالمؤمنین(ع) تلاش بسیار گردید.^۴ «آستانه کاظمین(ع) که بر اثر طغیان رودخانه دجله، و غفلت‌های زمان گذشته و قرار داشتن در کانون منازعات فرقه‌ای، ویران شده بود. مورد توجه خاص شاه اسماعیل قرار گرفت و از بنیاد خراب گردید و عمارت از پیش طراحی شده و زیبایی از نو بر آن ساخته شد».^۵ این بازسازی جدید، تمامی حرم را در بر می‌گرفت. هم‌چنین صحن توسعه یافت و با مرمر، سنگ فرش گردید. صندوق‌های چوبی قدیمی را برداشته و جای آن، صندوق‌های خاتم‌کاری زیبا قرار گرفت. حرم با بنای دو گلدسته و بهترین کاشی‌ها تزئین شد. کاروان‌سرای درون صحن با انتقال به بیرون، در پشت آن ساخته شد. حرم را با فرش‌ها و چلچراغ‌ها زیبا نمودند و برای آن خادم و موزن و نگهبان تعیین گردید. بر کتیبه‌ای در قسمت بیرونی دیوار رواق شرقی، روبه‌روی صحن مطهر چنین نوشته شد: «امر کرد به ایجاد این بنای شریف، سلطان سلاطین جهان، سایه خدا بر سر خلق عالم، یاری‌گر دین جدش احمد(ص)، پرچم‌دار راه محمد(ص) ابوالمظفر، شاه اسماعیل، پسر شاه حیدر، پسر جنید صفوی موسوی، خداوند سلطنتش را برای برپائی پرچم دین پاینده دارد و حجت و دلیلش را برای هدم و نابودی گمراهان تأیید نماید. این نوشته در ششم ربیع‌الثانی سال ۹۲۶ تحریر شد».^۶

درباره شاه اسماعیل اول، پس از زیارت حرم عسکریین(ع) در سامرا نقل است: «... به آن آستان عرش نشان، قالی‌های رنگین و فرش‌های الوان انداخته به فراشی و خدمت آن مکان تفاخر می‌نمودند...»^۷. تنها یک دهه پس از مرگ او در سال ۹۳۰ق/۱۵۲۶م. با جدایی عراق عرب از حکومت صفوی، آن اماکن تحت سلطه عثمانی قرار گرفت، اما با

وجود تمام موانعی که آن دولت ایجاد کرده بود در هر فرصت ممکن، اقدامات عمرانی در عتبات ادامه می‌یافت. شاه طهماسب اول (۹۳۰-۹۹۶ ق/۱۵۲۴-۱۵۸۸ م.)، فرزند و جانشین شاه اسماعیل اول، پادشاهی متدین و متعصب در امور مذهبی بود که در گسترش آن، سعی بسیار می‌نمود، و با تأثیر فراوان عتبات عالیات، بر تأیید مذهب تشیع و حکومت تازه تاسیس صفوی، در آبادانی آن کوشید. به فرمان او، تعمیرات گسترده‌ای در حرم امام حسین(ع) و حضرت ابوالفضل(ع) در کربلا آغاز شد و صحن شمالی حرم امام در این زمان، بنا گردید. اصلاحات شاه طهماسب «منارة العبد» یا «منارة غلام» بود که از زیباترین آثار هنر و معماری در اماکن مقدس عراق به شمار می‌آید.

سابقه بنای «منارة غلام» یا «منارة العبد» به حدود دو قرن قبل از حکومت صفوی باز می‌گردد، که آن، خود واقعه‌ای شبیه به معجزه و شایسته توجه است. خواجه مرجان که از سوی سلطان اویس جلایر (۷۵۷-۷۶۶ ق/۱۳۵۶-۱۳۶۵ م) بر بغداد حکومت می‌نمود، در هنگام غیبت او در عراق و حضورش در تبریز، از اطاعتش سرپیچی کرد و در سال ۷۶۷ ق/۱۳۶۶ م. ادعای استقلال نمود. سلطان اویس بلافاصله به عراق عرب لشکر کشید و خواجه که توانایی مقاومت در برابر سپاه جلایری را نداشت و با خیانت و فرار اطرافیان، تنها ماند به کربلا و آستان مطهر امام حسین(ع) پناهنده شد. او در آن جا گلدسته‌ای ساخت که به «منارة العبد» یا «مرجان» معروف است. سلطان اویس که از این اقدام خیر خواهانه او آگاهی یافت، گناهِش را بخشید و حتی پس از مدتی، بار دیگر او را به پاس احترام به امام حسین(ع) و خدمت‌هایی که به آن حرم مطهر نموده بود بر ولایت عراق گماشت. در این مدت، خواجه مرجان «عمارات عالیه را که پیشتر بنا نهاده و ناتمام مانده بود، به اتمام رسانید و از نو بناهای رفیع ساخت.^۸

«منارة العبد» یا «منارة مرجان» با ارتفاع چهل متر در طرف شمال شرقی صحن مطهر قرار داشت، و بلندترین و باشکوه‌ترین مناره در تمام اعیان مقدس عراق به شمار می‌آمد که پس از دو قرن، در سال ۹۸۲ ق/۱۱۱۰ م. به دستور شاه طهماسب صفوی، بار دیگر تعمیر و تزیین گردید.^۹ هم‌چنین شاه طهماسب در جهت بهبود شرایط اقتصادی شیعیان

کربلا و آسایش حال زائران، دستور حفر نهری را از رودخانه فرات به سوی شهر کربلا داد که به «طهماسیه» معروف شد.^{۱۱} اقدامات عمرانی او آستانه حضرت ابوالفضل(ع) را نیز شامل شد، که آن با زیباترین و نفیس‌ترین کاشی‌ها و فرش‌های ایرانی تزیین گردید.^{۱۱}

عتبات در عصر شاه عباس اول

از هنگام ورود شاه اسماعیل اول به سرزمین عراق، تا زمانی که شاه عباس اول (۹۹۶-۱۰۳۸ق/۱۵۸۸-۱۶۲۹م) موفق به ورود پیروزمندانه‌اش به آن‌جا گردید، حدود یک قرن گذشت. عباس اول، سال ۱۰۳۲ق/۱۶۲۳م. در اوج قدرت سیاسی و نظامی قرار داشت، و با موفقیت، سپاه عثمانی را در تمام جبهه‌ها شکست داد و آنان را عقب راند؛ دیگر دلیلی وجود نداشت که او سیادت حکومت سنی مذهب عثمانی را بر اعتبار مقدس شیعیان بپذیرد، شاه که همیشه خود را «کلب آستان علی» می‌نامید، با توجه به مشکلات دولت عثمانی و فترت حاصل از عدم وجود حکومتی مقتدر در عراق عرب، به قصد زیارت آستان امیرالمؤمنین(ع) در سال ۱۰۳۲هـ. به سمت عراق حرکت نمود و موفق به فتح آن گردید.^{۱۲}

در نظر شاهان صفوی و در رأس همه آنان، شاه عباس اول، سرزمین عراق عرب حکم ، سنگر ایران و پل ارتباطی شرق به غرب و محل اتصال مسلمانان این کشور به سرزمین حجاز به شمار می‌آمد. از سوی دیگر، عراق و عتبات عالیات، آرامگاه ائمه اطهار(ع) بود که به سان کعبه‌ای دیگر، آمال همه شیعیان جهان و عاملی مهم در گسترش مذهب و فرهنگ تشیع، قلمداد می‌گردید و همانند پشتیبانی محکم، برای شاه بزرگ صفوی محسوب می‌شد و این دولت از آغاز تاسیس، به آن توجه خاصی داشت. شاه عباس، فقط هنگام ضعف و ناتوانی‌اش پذیرفت تا آن مناطق را به دشمن کینه‌توز خود واگذار سازد و موقتاً او را آرام نماید، اما سرانجام در آخرین سال‌های حکومت، موفق به باز پس‌گیری آن شد. زمانی که شاه عباس، مظفرانه قدم به خاک عراق نهاد، مشاهده مشرفه در عراق با توسعه و آبادانی فزاینده‌ای مواجه گردید.^{۱۳}

در این زمان، حرم مقدس حضرت علی(ع) در نجف اشرف در جایگاه اول قرار داشت. در واقع، بنای اصلی نجف، در این دوران گذاشته شد.^{۱۴} شیخ بهایی، وظیفه طراحی و نظارت بر بنای این آستانه مطهر را بر عهده یافت، او طرح بسیار جامع و باشکوهی را ایجاد کرد. گنبد بسیار رفیعی برای حرم بنا شد و اطرافش را رواقی به عرض دوازده زراع که گرداگرد آن رواق، حجرات ساختند و درهای بسیار نفیس از هنر خاتم‌کاری بر آنها نصب نمودند. قبه حرم با کاشی‌های زمردی منقش آراسته شد و داخل آن با بهترین کاشی‌های اصفهان و سنگ‌های مرمر، تزیین گردید. در چوبی قدیمی حرم را برداشتند و دری از نقره به جای آن قرار دادند. وضوخانه، کاروان‌سرا، دارالشفاء و مطبخ نیز جهت اقامت و آسایش زائران دور و نزدیک ساخته شد.^{۱۵}

ناصرالدین شاه قاجار در سفرش به عتبات در سال ۱۲۸۷ق/۱۸۷۰م. در زیارت از حرم حضرت علی(ع) می‌نویسد: «فرش‌های ابریشمی قالی که صفوی، یعنی شاه عباس انداخته است و رقم هم دارد (کلب علی عباس) مثل این است که امروز از کارخانه در آمده است.»^{۱۶}

هم‌چنین به دستور شاه عباس ضریح‌های فولادی یا شکوهی ساخته شد که روی هر شش صندوق قدیمی در سامراء، کاظمین، کربلا و نجف قرار گرفت، و در همه این اماکن مقدس، در حد توان ساخت و سازهایی انجام داد. شاه دستور به تعمیر کاشی‌کاری حرم امام حسین(ع) را نیز داد و ویرانی و آسیب‌های حرم کاظمین را بر طرف نمود.^{۱۷}

اقدامات عمرانی در عتبات پس از شاه عباس

با مرگ شاه عباس اول در سال ۱۰۳۸ق/۱۶۲۹م. نواده‌اش شاه صفی جانشین او گردید. او در نخستین سال‌های سلطنتش در برابر پیش‌روی سپاه عثمانی، مجبور به لشکرکشی به سوی عراق عرب گردید. شاه در این سفر نظامی - مذهبی به بغداد در سال ۱۰۴۲ق/۱۶۲۳م. به زیارت عتبات مقدس ائمه اطهار مشرف شد، و به آبادانی و هر چه با شکوه‌تر ساختن آن عتبات تاکید نمود. او حرم کاظمین (ع) را - که در اثر طغیان رودخانه

دجله در سال ۱۰۴۲ هـ خراب شده بود - تعمیر نمود.^{۱۸} هم‌چنین در شهر سامراء و عتبه مقدس عسکریین(ع)، دستور به بازسازی و نظارت بر امور حرم را داد.^{۱۹} شاه صفی، حرم مطهر امیرالمؤمنین(ع) را که در جنگ‌های مداوم و آتش توپخانه دشمن ویران شده بود از نو بنا کرد؛ «اندرون حرم محترم نیز بسیار تنگ و در هنگام زیارت و ازدحام زائران مرقد مطهر، بر زوار به غایت دشوار بود و سکنه نجف اشرف نیز از بی‌آبی که آب شیرین از دو فرسخ راه می‌بایست آورد، تعب و تشویش بسیار می‌کشیدند و مردم عاجز فرومایه را هر روز مبلغی بقیمت آب می‌بایست داد. در این وقت رای صواب نمای اشرف بدان متعلق گردید...».^{۲۰}

به دستور او، اقدامات عمرانی در عتبه حضرت علی(ع) آغاز شد و میرزا تقی خان مازندرانی، اعتمادالدوله شاه، مامور رفع مشکل کم آبی این شهر شیعه نشین گردید. مسئله کم آبی شهر نجف و کوشش برای آب‌رسانی به این عتبه مقدس و رفع این مشکل برای زائران، ساکنان و مجاوران حرم مطهر آن حضرت، مسئله تازه‌ای نبود. پیش از شاه صفی بزرگان دیگر سلسله صفوی؛ یعنی شاه اسماعیل و عباس اول در این زمینه تلاش نمودند، اما اقدامات آنان، موقتی و کوتاه مدت بود. شاه اسماعیل اول پس از زیارت آستانه امیرالمؤمنین(ع) در سال ۹۱۴ق/۱۵۰۸م. دستور داد تا نهر آبی را از رودخانه فرات به نجف حفر کنند و به این جهت، قاضی جهان از معماران و مهندسان بزرگ آن زمان را برای این امر مهم، مامور ساخت. قاضی جهان موفق شد تا آب را از رودخانه فرات به چهار فرسخی نجف برساند که «مبلغ دو هزار تومان خرج آن نهر کثیرالفائده شده و محصولات کلی از آن به هم رسید.»^{۲۱} ظاهراً این نهر پس از اسماعیل و در دوران تسلط حکومت عثمانی تخریب گردید، زیرا شاه عباس پس از زیارت نجف در سال ۱۰۳۲ق/۱۶۲۳م. دستور داد تا نهر آبی را که شاه اسماعیل اول بنا کرده بود دوباره تعمیر و اصلاح نمایند؛ ولی چون امکان آب‌رسانی از نهر به نجف ممکن نشد، ناچار از جای دیگری قنات حفر نمودند و آب شیرین را تا حرم جاری ساختند. «[شاه عباس] در این عمل همه لشکر را وادار کرده بود که همه کار می‌کردند».^{۲۲}

اکنون نوبت شاه صفی بود که با توجه به نیاز شهر نجف و شیعیانش، تلاش نماید. او دستور داد تا نهر عمیقی را از حدود حله به سوی کوفه و تا دریای نجف وصل نمایند، و به وسیله دولاب، آب را بر زمین جاری کنند و آن را به آستان مطهر برسانند. شاه صفی و اعتمادالدوله و میرزا تقی مازندرانی، سرانجام موفق شدند تا سال ۱۰۴۲ق/۱۶۲۳م. و در عرض شش ماه، آب را از شط فرات به نجف اشرف برسانند.^{۲۳}

با وجود این شاه نتوانست عراق عرب و به تبع آن، اماکن مقدس را در برابر پیش‌روی سپاه عثمانی حفظ نماید و با انعقاد «عهدنامه زهاب» یا «قصرشیرین» در سال ۱۰۴۸ق/۱۶۳۸م. عراق عرب، به دولت سنی مذهب عثمانی واگذار گردید و شهرهای مقدس نیز به مناطق تحت تسلط آن امپراطوری در آمد. هر چند این امر اقدامات عمرانی شاهان صفوی در عتبات را متوقف نکرد، اما با توجه به کاهش اهمیت عتبات در روابط سیاسی دو دولت صفوی و عثمانی و سیطره دولت بیگانه بر آن و از سوی دیگر ضعف و سستی شاهان این سلسله و توجه‌شان به عیاشی و حرم‌سراها، از توسعه و زیباسازی عتبات کاسته شد.

فقط یک مورد قابل ذکر در اواخر عصر صفوی وجود دارد و آن واقعه آتش‌سوزی در عتبه مطهر عسکریین (ع) در سال ۱۱۰۶ق/۱۶۹۴م. است که باعث ویرانی این مکان مقدس گردید. هنگامی که سلطان حسین (۱۰۷۷-۱۱۳۵ق/۱۶۶۶-۱۷۲۲م) آخرین پادشاه ضعیف صفوی، از این خبر آگاه شد، تعدادی از علما را برای نوحه‌خوانی به سامراء فرستاد و برای بازسازی و تعمیر این آستانه از دولت عثمانی اجازه گرفت. حرم و رواق را دوباره سنگ فرش کرد و ضریح و چهار صندوق برای حرم ساختند که دو صندوق، برای قبور دو امام دهم و یازدهم شیعیان، یعنی امام علی النقی (ع) و امام حسن عسکری (ع) - و دو تای دیگر برای قبر نرجس خاتون، مادر امام زمان (عج)، و حکیمه خاتون، دختر امام جواد (ع) بود و ضریحی از فولاد، روی صندوق‌ها قرار گرفت و این عتبه مطهره تا حد امکان بازسازی شد.^{۲۴}

نتیجه

از این بررسی کوتاه بر می آید که نخستین شاهان سلسله صفوی، کوشش فراوانی در راه بازسازی و توسعه عتبات انجام می نمودند. آبادانی اماکن مقدسی که در آن اهداف مذهبی، اجتماعی و سیاسی مهمی دنبال می شد، زیرا عتبات و تأثیر ناشی از آن نقش مهمی در گسترش مذهب و فرهنگ شیعه در سطح جهان اسلام داشت، و دولت صفوی را از آغاز تاسیس، در رقابتی تنگاتنگ با دولت سنی مذهب عثمانی قرار می داد؛ از سویی آنان در پی گسترش مذهب تشیع و از سوی دیگر خواستار مشروعیت بخشیدن به حکومت خود و نفوذ در منطقه عراق عرب بودند، و برای رسیدن به اهدافشان از هیچ کوششی فروگذاری نمی نمودند. بازسازی و مرمت اماکن مقدس شیعیان در عراق، از سوی شاهان صفوی جنبه تبلیغی فراوانی داشت و هر چند از اعتقادات واقعی، تهی نبود، در زمره این کوششها محسوب می گردید. دولت صفوی در تمام مدت حاکمیت اش، نقش مهمی در اصلاح و بازسازی عتبات داشت، حتی در دورانی که منطقه عراق در تسلط آنان نبود. این امر، سبب شد تا بنای اصلی و امروزی بیشتر این اماکن مقدس در چهار شهر سامراء، کاظمین، کربلا و نجف در عصر صفوی ایجاد شود و پس از آن نیز این فعالیتها ادامه یابد و از طریق این اقدامات بود که معماری عراق عرب تحت تأثیر سبک معماری ایرانی قرار گرفت.

پی‌نوشت‌ها

۱. استیون همزلی لانگریک، *تاریخ سیاسی و اجتماعی و اقتصادی عراق ۱۹۰۰-۱۵۰۰*، ترجمه اسدالله توکلی و محمدرضا مصباحی، (مشهد، نشر آستان قدس رضوی، ۱۳۷۸) ص ۶۰.
۲. غیاث‌الدین بن همام‌الدین خواندمیر، *حبيب السیر فی اخبار افراد بشر*، (تهران، نشر کتاب‌فروشی خیام، ۱۳۳۳) ج ۴، ص ۴۹۶.
۳. حسین عمادزاده، *تاریخ جغرافیایی کربلای معلی*، (تهران، نشر مجله خرد، ۱۴۲۶) ص ۱۱۸.
۴. مجهول المؤلف، *جهانگشای خاقان* (تاریخ شاه اسماعیل)، مقدمه الله دتا مضطر (اسلام آباد، نشر مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۶۰) ص ۲۹۲.
۵. شیخ محمد حسن آل یاسین، *تاریخ حرم کاظمین*، ترجمه غلامرضا اکبری، (بی‌جا، نشر کنگره جهانی حضرت رضا(ع)، ۱۳۷۱) ص ۶۲-۶۳؛ *دایرة المعارف تشیع*، زیر نظر احمد صدر حاج سیدجوادی، (تهران، بنیاد خیریه و فرهنگی شط، ۱۳۶۹) ج ۱، ص ۱۰۸-۱۰۹.
۶. آل یاسین، پیشین، ص ۶۵.
۷. *جهانگشای خاقان*، ص ۲۸۹.
۸. محمد بن خاوندشاه میرخواند، *روضه الصفیاء*، (تهران، نشر علمی، ۱۳۷۳) ج ۵، ص ۵۷۵؛ و ر.ک: اسماعیل بن عمر ابن کثیر، *البدایة و النهایة*، (الریاض، نشر مکتبة التعارف، ۱۹۹۶م) ج ۱۴.
۹. عبدالجواد کلیددار، *تاریخ کربلا و حائر حسین(علیه‌السلام)*، ترجمه محمد صدر هاشمی، (اصفهان، نشر کتاب‌فروشی ثقفی، ۱۳۷۷) ص ۱۷۸.
۱۰. ژان اوتر، *سفرنامه*، ترجمه علی اقبال، (تهران، نشر جاویدان، ۱۳۶۶) ص ۶۶.

۱۱. محمدحسن مصطفی کلیددار، *مدینه الحسین او مختصر تاریخ کربلا*، (بغداد، نشر النجاج، ۱۳۶۷) ج ۱، ص ۳۴؛ سلمان هادی آل طعمه، *تراث کربلا*، (بیروت، نشر موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۳) ص ۶۱.
۱۲. اسکندربیک ترکمان، *عالم آرای عباسی*، تصحیح ایرج افشار، (تهران، چناب گلشن، ۱۳۵۰) ج ۳، ص ۹۹۶-۹۹۸.
۱۳. سید محمد ذراج نقیب سادات و مجتهد بزرگ کربلا، *تولیت آستانه امام حسین (ع)* کلیدهای حرم مطهر را در دست داشت. او در زمان شاه عباس اول، مورد اعتماد او قرار گرفت. حمایت ذراج از اهل سنت و نجات آنان از خشم شاه عباس، سبب محبوبیت و نفوذ معنوی او در میان مسلمانان گردید. این مسئله در سال‌های پس از عهدنامه زهاب و تسلط دولت عثمانی بر عراق، سبب خشم پادشاهان حاکم بر عراق گردید و سرانجام در سال ۱۰۵۰/۱۶۴۰م. به فرمان حاکم وقت عثمانی در عراق به شهادت رسید.
- برای اطلاع بیشتر، رک: هامر پورگشتال، پیشین، ج ۳، ص ۲۰۴۵؛ عباس العزاوی، *تاریخ العراق بین احتلالین*، (بغداد، طبعه الفضیحه الاهلیه، ۱۹۳۹) ج ۴، ص ۲۴۱.
۱۴. سعار ماهر، *مشهد الامام معلی فی النجف و ما به الهدایا و التحف*، (قاهره، نشر دارالمعارف بمصر، بی تا) ص ۱۵۳.
۱۵. آقاسیدعبدالله، *لولو صدق فی تاریخ النجف*، (بی جا، چاپ مهربان، ۱۳۷۹) ص ۶۰-۶۱.
۱۶. ناصرالدین شاه، *شهریار جاده‌ها*، (سفرنامه ناصرالدین شاه به عتبات)، (تهران، نشر سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۲) ص ۱۲۶.
۱۷. آل یاسین، پیشین، ص ۷۹؛ کلیددار، پیشین، ص ۱۹۳.
۱۸. همان، ص ۸۰.
۱۹. اسکندربیک ترکمان، *ذیل تاریخ عالم آرای عباسی*، تصحیح سهیلی خوانساری، (تهران، چاپ اسلامی، ۱۳۷۱) ص ۸۱.

۲۰. همان، ص ۹۴.

۲۱. خواجه زین العابدین علی عبدی بیک شیرازی، *تکمله الاخبار*، تصحیح عبدالحسین نوایی، (تهران، نشر نی، ۱۳۶۹) ص ۲۱۱-۲۱۳.

۲۲. محقق ورسبی، *نجف اشرف در ادوار زمان*، (مشهد، نشر دفتر تحقیقات و انتشارات محب، ۱۳۷۵) ص ۷۳؛ محمد بن عبود الکوفی، *نزهة الغری فی تاریخ النجف*، (نجف، مطبعه الغری الحدیثه، ۱۴۷۱) ص ۶۲.

۲۳. ترکمان، پیشین، ص ۹۵؛ رضاقلی خان هدایت، *روضه الصفای ناصری*، تصحیح جمشید کیانفر، (تهران، نشر اساطیر، ۱۳۸۰) ج ۴، ص ۶۸۷۷.

۲۴. *دایرةالمعارف تشیع*، ج ۱، ص ۹۳.

منابع

- آقاسیدعبدالله، *لولو صدف فی تاریخ النجف*، (بی جا، چاپ مهربان، ۱۳۷۹).
- آل طعمه، سلمان هادی، *تراث کربلا*، (بیروت، نشر موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۳).
- آل یاسین، شیخ محمد حسن، *تاریخ حرم کاظمین*، ترجمه غلامرضا اکبری، (بی جا، نشر کنگره جهانی حضرت رضا(ع)، ۱۳۷۱).
- اوتر، زان، *سفرنامه*، ترجمه علی اقبال، (تهران، نشر جاویدان، ۱۳۶۶).
- ترکمان، اسکندربیک، *عالم آرای عباسی*، تصحیح ایرج افشار، (تهران، چاپ گلشن، ۱۳۵۰) ۳ جلد.
- _____، *ذیل تاریخ عالم آرای عباسی*، تصحیح سهیلی خوانساری، (تهران، چاپ اسلامی، ۱۳۷۱).
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین، *حبيب السیر فی اخبار افراد بشر*، (تهران، نشر کتابفروشی خیام، ۱۳۳۳) ج ۴.
- *دایرةالمعارف تشیع*، زیر نظر احمد صدر حاج سیدجوادی، (تهران، بنیاد خیریه و

فرهنگی شط، ۱۳۶۹) ج ۱.

- عبدی بیک شیرازی، خواجه زین العابدین علی، *تکمله الاخبار* (تاریخ صفویه از آغاز تا

۹۷۸هـ ق)، تصحیح عبدالحسین نوایی، (تهران، نشر نی، ۱۳۶۹).

- عبود الکوفی، شیخ محمد بن شیخ، *نزهة القرى فی تاریخ النجف*، (نجف، مطبعه الغری

الجديشه، ۱۳۷۱ق).

- العزاوی، عباس، *تاریخ العراق بین احتلالین*، (بغداد، مطبعه الفضيحه الاهليه، ۱۹۳۹) ج ۴:

- عمادزاده، حسین، *تاریخ جغرافیایی کربلای معلی*، (تهران، نشر مجله خرد، ۱۴۲۶).

- کلیددار، محمدحسن مصطفی، *مدینه الحسین او مختصر تاریخ کربلا*، (بغداد، نشر

النجاج، ۱۳۶۷) ج ۱.

- کلیددار، عبدالجواد، *تاریخ کربلا و حائر حسین (علیه السلام)*، ترجمه محمد صدر هاشمی،

(اصفهان، نشر کتاب فروشی ثقی، ۱۳۷۷).

- لانگریک، استیون همزلی، *تاریخ سیاسی و اجتماعی و اقتصادی عراق ۱۹۰۰-۱۵۰۰*،

ترجمه اسدالله توکلی و محمدرضا مصباحی، (مشهد، نشر آستان قدس رضوی، ۱۳۷۸).

- ماهر، سعار، *مشهد الامام معلی فی النجف و ما به الهدایا و التحف*، (قاهره، نشر

دارالمعارف بمصر، بی تا).

- میرخواند، محمد بن خاوندشاه، *روضه الصفا*، (تهران، نشر علمی، ۱۳۷۳) ج ۵.

- مؤلف نامعلوم، *جهانگشای خاقان (تاریخ شاه اسماعیل)*، مقدمه الله دتا مضطر،

(اسلام آباد، نشر مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۶۰).

- ناصرالدین شاه، *شهریار جاده‌ها (سفرنامه ناصرالدین شاه به عتبات)*، (تهران، نشر

سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۲).

- الوردی، علی، *لمحات الاجتماعیه من تاریخ العراق*، (بغداد، مطبعه الارشاد، ۱۳۶۹) ج ۱.

- ورسی، محقق، *نجف اشرف در ادوار زمان*، (مشهد، نشر دفتر تحقیقات و انتشارات

محب، ۱۳۷۵).

- هدایت، رضاقلی خان، *روضه الصفای ناصری*، تصحیح جمشید کیانفر، (تهران، نشر اساطیر، ۱۳۸۰) ج ۸



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی